



چارچوبی برای مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن بر مبنای تحلیل محتوای پژوهش‌های مرتبط

امیرعلی علایی¹، سید عباس یزدانفر²، سید باقر حسینی³ و سعید نوروزیان ملکی⁴

تاریخ دریافت: 98/09/05

تاریخ پذیرش: 99/07/06

چکیده: توسعه پایدار در آغاز با گرایش به مسائل زیست‌محیطی شروع و سپس با همراهی اقتصاد پی گرفته شد. پایداری اجتماعی آخرین دغدغه توسعه پایدار بود که به عنوان عضوی جدایی‌ناپذیر در آن مطرح شد. هدف این پژوهش پیدا کردن مؤلفه‌های تأثیرگذار بر پایداری اجتماعی مسکن از طریق مرور پژوهش‌های گذشته است. طبق یک مرور سیستماتیک، 129 منبع مرتبط با پایداری اجتماعی در پژوهش‌های داخلی و خارجی (کتب منتشرشده، مقالات، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیق) یافت شد. سپس به منظور منظم کردن اطلاعات به دست آمده با استفاده از روش تحلیل محتوا به کدگذاری مؤلفه‌ها در منابع پرداخته شد. نتایج نشان داد که، 5 مؤلفه 1) "امنیت اجتماعی" 2) "مشارکت اجتماعی" 3) "سرمایه/ تعاملات اجتماعی" 4) "عدالت اجتماعی" 5) "دسترسی به خدمات و حمل‌ونقل عمومی" به صورت هم‌ارزش با "خدمات سلامت/ تسهیلات بهداشت" به ترتیب اهمیت در پایداری اجتماعی مسکن تأثیرگذار هستند. در انتها ساختاری شامل پنج دسته کلی به نام‌های "اقتصادی"، "زیست‌محیطی"، "کاربری و زیرساخت اجتماعی"، "زندگی اجتماعی و فرهنگی" و "مطلوبیت کالبدی" برای دسته‌بندی مؤلفه‌ها پیشنهاد شده است.

واژگان کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی مسکن، مرور سیستماتیک، تحلیل محتوا.

¹ دانشجوی کارشناسی ارشد، معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

² دانشیار، معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

yazdanfar@iust.ac.ir

³ دانشیار، معماری، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران.

⁴ استادیار، معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

1- مقدمه

در صد سال اخیر، شهرها با رشد هنگفتی که داشتند تنها با داشتن 2 درصد از سطح اشغال زمین، مصرف‌کننده حدود سه چهارم منابع طبیعی کره زمین و تولیدکننده نزدیک به 80 درصد دی‌اکسیدکربن زمین شده‌اند (UN Habitat, 2006 به نقل از Hosseini et al., 2015). یکی از وظایف جوامع امروزی، خلق شهرها و محلات پایدار در زمینه‌های اقتصادی، محیطی و به ویژه اجتماعی است. در شهرنشینی معاصر جهانی، با وجود بالا بودن سطح زندگی و میزان مصرف بالاتر از گذشته، به واسطه رشد روحیه فردگرایی، فقدان حس تعلق و هویت‌مندی، کاهش تعاملات اجتماعی، ناراحتی‌های روحی روانی، جرایم رو به رشد و بسیاری از انحرافات در حوزه‌های مختلف، شیوع و بروز کرده است؛ تا جایی که می‌توان گفت امروزه شهرها تبدیل به مکان‌هایی پاره‌پاره و دست‌خوش هرج‌ومرج شده‌اند (Mafi and Abdoulahzadeh, 2017). در همین راستا بود که توسعه پایدار به عنوان اصلی‌ترین شعار هزاره سوم مطرح شد. مفاهیم مرتبط با این بحث مثل سرمایه اجتماعی، اجتماعات پایدار، تاب‌آوری اجتماعی، توسعه اجتماعی، ظرفیت اجتماعی و رفاه و محرومیت اجتماعی باعث شده تا نگرش به کلیت این مسأله تغییر پیدا کند (Barron and Gaunlett, 2002).

امروزه با مشخص شدن ناپایداری و ضررهای فراوان آن در مسیر توسعه، پارادایم پایداری به عنوان مسأله‌ای مهم و ضروری نمود یافته و در طی دو دهه اخیر، توجه مجامع جهانی را به خود جلب کرده است (Pourtaheri et al., 2011). از حدود دهه 40 که جمعیت شهرها هم به علت رشد طبیعی و هم به واسطه پدیده مهاجرت روستاییان، با سرعت بالایی رشد یافت، الگوی اسکان جمعیت به کلی دستخوش تغییر شد. این روند، یعنی غالب شدن الگوی سکونت‌ی شهری، به خصوص طی سه دهه گذشته، جامعه ایران را با تغییرات در حوزه‌های زیادی روبه‌رو کرده است (Hosseini et al., 2015 به نقل از Mafi and Abdoulahzadeh, 2017). امروزه انسان و جوامع انسانی به عنوان پیچیده‌ترین اجزای نظام شهری مطرح شده‌اند. توجه به انسان بیش از اهمیت در حقوق عمومی، در

خدمت ظرفیت‌های اجتماعات انسانی و در راستای تحقق توسعه پایدار مورد بحث قرار می‌گیرد (Shafia et al., 2012). در سال‌های ابتدایی قرن بیست و یک، دغدغه توسعه پایدار به سمت مسائل اجتماعی گرایش پیدا کرد (Daneshpour, 2014). سلامت اکولوژیکی، حیات اقتصادی و کیفیت زندگی از رویکردهای مهمی است که در الگوی سند پایداری کمیسیون برانت‌لند نام برده شده است (WCED, 1987).

1-1- پرسش‌های تحقیق

پژوهش پیش رو سعی دارد به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

1. مؤلفه‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی مسکن در پژوهش‌های صورت گرفته کدام است؟
2. چارچوب‌های ذکر شده، برای مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن در پژوهش‌های انجام شده، چیست؟

1-2- پیشینه تحقیق

«کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه» به ریاست نخست‌وزیر وقت نروژ، گرو هارلم برانت‌لند در راستای تلاش برای پیوند بین مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و زیست‌محیطی به سال 1983 تشکیل شد. نتیجه این کمیسیون، همگانی شدن اصطلاح «توسعه پایدار» با انتشار کتاب «آینده مشترک ما» بود (Navabakhsh and Eghbali, 2007). این گزارش توسعه پایدار را چنین تعریف کرد: «توسعه‌ای که نیازهای نسل کنونی را برآورده می‌سازد بدون تخریب توانمندی نسل‌های آینده برای برآورده کردن نیازهای خود» (WCED, 1987)، البته با افزودن این نکته که مسیرهای کنونی شامل ویژگی‌های توسعه پایدار نبوده‌است. پس از این روند، نخستین گردهمایی «اجلاس زمین» در سال 1992 در ریودوژانیرو انجام شد و در پی آن «دستور کار 21» زمینه لازم را برای اقدام محلی در قالب «دستور کار 21 محلی» فراهم کرد. دومین مرحله «کنفرانس هبیتات 2» در سال 1996 در استانبول بود که از طریق «دستور کار هبیتات» نقش شهرها، سازمان‌ها و تشکلهای جوامع شهری و دولت‌های محلی را عاملی کلیدی و مهم در حمایت و ایجاد شیوه‌های پایدارتر برای توسعه معرفی کرد (www.un.org).

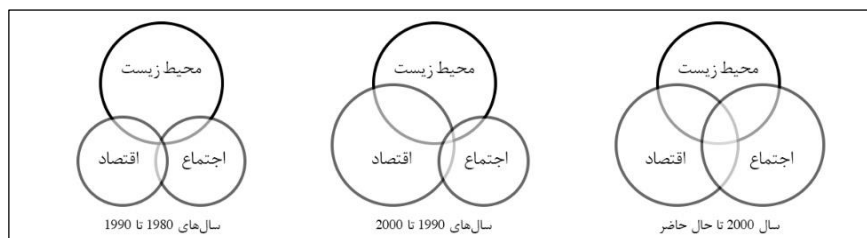
1-2-1 پایداری اجتماعی

یکی از ابعاد توسعه پایدار، پایداری اجتماعی است که شاید به دلیل ماهیت ویژه‌اش کمتر مورد توجه بوده است. همان‌گونه که سیر تاریخی نشان می‌دهد، ابتدا ابعاد محیط زیستی و پس از آن ابعاد اقتصادی بر توسعه پایدار غلبه داشتند. در اواخر دهه 90 بود که مباحث اجتماعی در پایداری مورد توجه قرار گرفت (Colantonio, 2007). مطابق شکل 1 اولین بار در سال 2000 در اتحادیه اروپا در لیسبون، مباحث اجتماعی به عنوان جزئی جدایی‌ناپذیر از فرآیند توسعه پایدار نام برده شد (Samuelsson et al., 2004). در بین اکثر پژوهشگران این حوزه، از غفلت در بعد اجتماعی بین ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار صحبت می‌شود (Colantonio, 2007; Chan and Lee, 2008; Barron and Gauntlett, 2002; McKenzie, 2007). به دنبال ارتقای کیفیت زندگی در قالب هدف نهایی بازآفرینی شهری پایدار، بر مشارکت بخش‌های خصوصی و دولتی، نقش مردم و قدرت اجتماعات، هویت، حس تعلق و حس مکان تأکید می‌شود. بنابراین برای تحقق این سیاست با رویکرد پایداری اجتماعی لازم است شهر را مکانی دانست که جذابیت‌ها و تمایزات بومی را نگه می‌دارد، دارای محیط‌های شاداب و همه‌شمول با عرصه‌های باز عمومی است (Bahraini et al., 2014). در ادامه، به نظریات و تعاریف قابل ذکری که تا به حال درباره پایداری اجتماعی مطرح شده است به ترتیب زمانی اشاره شده است:

تعریف قوی از پایداری اجتماعی باید بر پایه ارزش‌هایی از برابری و دموکراسی باشد، این بدین معناست که باید به لحاظ حقوقی، سیاسی، مدنی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر کیفیت جوامع اثر بگذارد (Sachcs, 1999). توسعه و یا رشدی که با سیر تکامل جامعه مدنی سازگار

مدل‌های متفاوتی از رابطه بین سه مؤلفه توسعه پایدار ترسیم شده است. یکی از مدل‌ها دوایری با اشتراک دو به دو و همچنین اشتراک سه‌گانه است که نشان از پیوند و ارتباط تنگاتنگ این سه بین یکدیگر و برهم‌کنش عناصر زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی است. نوعی دیگر از مدل ترسیمی، حالتی است که به صورت دوایر متحدالمرکز نشان داده شده و حاکی از این مفهوم است که اقتصاد در بستر جامعه رخ می‌دهد و خود اقتصاد برای بروز بیرونی، نیازمند روابط انسانی است (Mac and Peacock, 2011; Nastaran et al., 2013).

تعاریف متفاوتی درباره پایداری در مجتمع‌های مسکونی مطرح شده است که از آن میان، افرادی مانند (Barron, 2002) و (Macintosh, 2006) اشاره به این مطلب دارند که پایداری حاصل امتزاج سه مؤلفه اقتصاد، مسائل زیست‌محیطی و اجتماع است و برای هر یک شاخصه‌هایی مطرح کرده‌اند. چنین دیدگاهی در مقیاسی فراتر نیز برای شهرها در قالب رابطه پایداری و هوشمندی مطرح شده است. بر اساس تعریف ارائه شده از طرف سازمان‌های استاندارد بین‌المللی، شهرهای هوشمند برای ارتقای توسعه و انعطاف‌پذیری شهرها طراحی شده‌اند به گونه‌ای که حامی و تأمین‌کننده پایداری زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی باشند و از فناوری‌های هوشمند بهره‌گیرند (ISO 2014; IEC 2014). به نقل از (Marsal-Llacuna, 2016). در پژوهشی دیگر که در سال 2017 در راستای شهرهای هوشمند و پایداری آن‌ها صورت گرفته است، چارچوبی برای سنجش ابعاد مختلف پایداری ارائه شده که در بخش حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به مواردی از قبیل حق آموزش، حق فرهنگ و زندگی عمومی و نیز حق مسکن و خدمات در دسترس اشاره می‌شود.



شکل 1 - سیر اهمیت یافتن هر یک از مؤلفه‌های توسعه پایدار در روند دوره‌ای بیست ساله (Colantonio, 2009)

Fig. 1- The different dimensions of sustainable development and their relative importance (Colantonio, 2009)



باشد و محیطی را پرورش دهد که برای زندگی مشترک سازگار گروه‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی سودمند باشد و همزمان اتحاد اجتماعی را با پیشرفت در کیفیت زندگی همه بخش‌های جامعه ارتقا دهد (Polese and Stren, 2000).

از نظر بیارت در پایداری، نیازهای اجتماعی حداقلی برای توسعه بلندمدت مشخص می‌شود (که برخی از آن به عنوان سرمایه اجتماعی بحرانی نام می‌برند). به علاوه، چالش‌های عملکردی جامعه در دراز مدت تعیین می‌شود (Biart, 2002).

در پایداری اجتماعی مسکن، باید به جای تمرکز بر یکی از دو گزینه مردم و محیط، بر روی هر دو یعنی هم مردم و هم محیط متمرکز شد (Chiu, 2004). به نقل از Pourahmad et al., 2016). پایداری اجتماعی حاصل می‌شود اگر کار در جامعه و آرایش اداری مرتبط که پاسخگوی طیف وسیعی از نیازهای انسانی است به نحوی شکل گرفته باشد که طبیعت و توانایی‌های بالقوه آن در بلندمدت حفاظت شوند و ادعاهای معمولی در مورد عدالت اجتماعی، شأن انسانی و مشارکت پاسخ داده شده باشد (Griebler and Litting, 2005). به عبارت دیگر، پایداری اجتماعی را همان کیفیت جوامع و ماهیت روابط اجتماعی که به نوعی نشان‌دهنده روابط درونی جامعه است، می‌دانند.

تجزیه و تحلیل‌های کولانتونیو نشان می‌دهد پایداری اجتماعی ترکیبی از اصول سنتی اجتماعی، از قبیل نیازهای اولیه و اساسی (مسکن و بهداشت)، اشتغال و آموزش، برابری و عدالت اجتماعی و مفاهیم جدیدی مانند: هویت، حس مکان، خوشبختی، رفاه و کیفیت زندگی که کمتر قابل اندازه‌گیری هستند، است (Colantonio, 2008).

به عقیده وودکرفت، پایداری اجتماعی روندی است که ما را به تولید مکانی پایدار می‌رساند و با پاسخ دادن به خواسته مخاطب مبنی بر وجود فضایی موفق که زیست و فعالیت او را برآورده کند، رضایتمندی و سلامت وی را در پی داشته باشد (Woodcraft, 2012). در پژوهشی دیگر، پایداری اجتماعی مسکن به گونه‌ای بیان شده است که سطح رضایت ساکنان از زندگی در مسکن، حد قابل

قبولی داشته و واحدهای همسایگی پویایی و شبکه ارتباطی خود را دارند. به همین سبب در ادامه فرایند، موجبات تعامل اجتماعی را فراهم آورده و در پس آن ایجاد حس تعلق را به همراه دارد. این‌ها خود دلایلی خواهند بود که مخاطبین مسکن، مراقب سلامت و ارتقای پایداری آن بوده و در راستای تحقق مطلوبترین وضعیت محل زیست خود مشارکت داشته باشند (Sajjadi et al., 2009). در نتایج تحقیق مذکور، یک ساختار چهار بخشی برای پایداری اجتماعی مسکن در مقیاس خرد تبیین شده و در ادامه، هر کدام از ابعاد ساختار با لایه‌ای از هرم مازلو مقایسه شده است.

پایداری اجتماعی در محیط‌های شهری در واقع توانایی یک محیط شهری به منظور استمرار حضور عادلانه و تعامل گروه‌های مختلف اجتماعی متفاوت در آن است (Daneshpour et al., 2014).

رزاقی‌اصل و خوشقدم در سال 1396 طبق مطالعاتی که انجام دادند تعریفی برای پایداری اجتماعی ارائه کردند. طبق این تعریف پایداری اجتماعی در واقع «تعیین الزامات اجتماعی حداقلی برای توسعه‌های بلندمدت، به منظور فراهم آوردن محیطی که در آن نیازهای اولیه شهروندان تأمین شده و تساوی حقوق و حق برخورداری از تمامی امکانات، خدمات و فضاهای شهری برای همگان وجود داشته باشد و با ایجاد فرصت‌های شغلی برابر و توزیع عادلانه درآمد و مشارکت دادن ساکنان در تصمیم‌گیری‌ها و توانمندسازی آن‌ها از طریق ارتقای سطح آموزشی و مهارتی، کیفیت زندگی ارتقا یافته و رضایت آن‌ها را به دست آورد».

در دانشگاه آکسفورد پژوهشی در سال 2017 انجام شده که به مطالعه منابع مرتبط با پایداری اجتماعی پرداخته- است. بخشی از این پژوهش، اهداف پایداری اجتماعی را در مقالات منتشر شده بر طبق سه سطح مسکن- واحد همسایگی- محله و شهر بررسی کرده است (Shirazi and Keivani, 2017). جدول 1 این اهداف را به همراه برخی دیگر از منابع جدیدتر نشان می‌دهد.



فرهنگی- اجتماعی 3- تعامل و تأثیر 4- فضایی برای رشد (Woodcraft, 2012). همچنین شیعه و همکاران به پنج دسته اصلی 1- امنیت، 2- فعالیت پذیری، 3- هویت‌مندی، 4- مردم‌مداری و 5- یکپارچگی کالبدی اشاره کرده‌اند. در این مطالعه، مهمترین دسته تأثیرگذار بر ارتقای پایداری اجتماعی، امنیت نام برده شده که شامل شاخص‌های: ایمنی، امنیت و حریم در عرصه‌های شهری است. پس از آن، فعالیت‌پذیری متشکل از شاخص‌های: تنوع فعالیت‌ی، اختلاط کاربری، دسترسی‌پذیری، تسهیلات و زیرساخت‌های مطلوب، قرار دارد (Shieh et al., 2017).

برملی و همکارانش در تحقیقی که در انگلستان روی پانزده محدوده از پنج شهر انجام دادند، به شاخص‌هایی از پایداری اجتماعی دست پیدا کردند که فرم شهری بر آن‌ها مؤثر است: حس غرور و تعلق، تعاملات اجتماعی، امنیت، کیفیت‌های محیطی، ثبات سکونت، مشارکت در گروه‌های اجتماعی، استفاده از خدمات و تسهیلات محلی. همچنین از تراکم به عنوان کلیدی‌ترین بحث در تأثیر فرم شهر در تحقق پایداری اجتماعی نام می‌برند (Bramley et al., 2000). در مطالعه‌ای دیگر، پایداری اجتماعی در 4 بخش کلی 1- دسترسی برابر و فرصت‌ها، 2- برابری محیطی و سلامتی، 3- جامعه و ارزش مکان و 4- نیازهای اولیه انسانی دسته‌بندی شده است (Opp, 2016).

عبدالرحیم و رمسباتم نیز پس از مطالعه منابع موجود از ده عامل برای تحقق اهداف پایداری اجتماعی نام می‌برند که به شرح زیر است: 1- احترام و مراقبت از جوامع 2- بهبود کیفیت زندگی 3- تنوع کارکنان و جامعه در پروژه- های ساختمانی 4- انعطاف‌پذیری جامعه در طول اجرای یک پروژه 5- حداقل استفاده از منابع تجدیدنپذیر در طول ساخت و ساز 6- تغییر نگرش‌ها و شیوه‌ها 7- اقدامات سنجش پایداری اجتماعی 8- آگاهی از پایداری اجتماعی 9- شبکه جهانی برای پایداری اجتماعی و 10- مسئولیت‌پذیری سازمان‌ها (Abdel-Raheem and Ramsbottom, 2016).

در پژوهش دیگری که در سال 2017 انجام گرفته از 8 مؤلفه کلی برای پایداری اجتماعی نام برده شده که به

جدول 1- اهداف و مقیاس‌های متفاوت پایداری اجتماعی در برخی منابع

Tab. 1- Social sustainability conceptualized; key aspect of definitions

منبع	رویکرد	اهداف	مقیاس
Yiftachel and Hedgcock (1993)	پایداری اجتماعی	تأثیر برنامه‌ریزی شهری بر سطح پایداری اجتماعی	شهر
Barton (2000)	پایداری اجتماعی	پایداری همسایه‌ها و واحد همسایگی	همسایگی
Chiu (2003)	پایداری اجتماعی	جستجو برای ارتباط بین مسکن و پایداری اجتماعی	منطقه‌ای/ توسعه‌های مسکن
Chan and Lee (2007)	پایداری اجتماعی	سنجش پایداری اجتماعی در برنامه‌های بازآفرینی شهری	نامشخص
Bramley and Power (2009)	پایداری اجتماعی	رابطه بین تراکم مسکونی و پایداری اجتماعی	همسایگی
Cuthill (2010)	پایداری اجتماعی	یک ساختار برای پژوهش در پایداری اجتماعی	ناحیه شهری
Raman (2010)	انسجام اجتماعی	رابطه بین طراحی شهری و جنبه‌های اجتماعی و زندگی جمعی	همسایگی
Dempsey et al. (2011)	پایداری اجتماعی	جستجو برای مفهوم پایداری اجتماعی در بافت شهری بریتانیا	همسایگی
Colantonio and Dixon (2011)	پایداری اجتماعی	توسعه‌ی یک ساختار ساده از پایداری اجتماعی	منطقه/ همسایگی
Karuppannan and Sivam (2011)	تندرستی و خوشبختی	تأثیر فرم شهری بر پایداری اجتماعی در سطح همسایگی	همسایگی
Dave (2010, 2011)	پایداری اجتماعی	رابطه بین تراکم و جنبه‌های اجتماعی پایداری در توسعه کشور	همسایگی
Bacon et al. (2012)	پایداری اجتماعی	توسعه‌ی یک چارچوب برای اندازه‌گیری پایداری اجتماعی مسکن‌های جدید و توسعه‌های چندکاربری	توسعه مسکن
Weingaertner and Moberg (2014)	پایداری اجتماعی	هویت‌مندی جنبه‌های رایج و مشترک پایداری اجتماعی	نامشخص
Opp (2016)	پایداری اجتماعی	ارائه ساختاری برای ارزیابی و تشخیص پایداری اجتماعی در حوزه شهرهای آمریکایی	شهر
Yu et al. (2017)	پایداری اجتماعی	ارائه ساختاری برای ارزیابی پایداری اجتماعی درباره اثرات تخریب مسکن	مسکن / همسایگی
Severson and de Vos (2018)	پایداری اجتماعی	چارچوبی برای سنجش پایداری اجتماعی مسکن‌های اجتماعی و مقرون‌به‌صرفه	مسکن
Hösel et al. (2019)	پایداری اجتماعی	توسعه‌ی یک ساختار برای پایداری اجتماعی و سنجش آن در چرخه‌ی زندگی	نامشخص
Larimian and Sadeghi (2019)	پایداری اجتماعی	ارائه ساختاری برای پایداری اجتماعی به همراه تأثیر نقش طراحی	همسایگی
Dixon et al. (2019)	پایداری اجتماعی	توسعه‌ی چارچوبی برای اندازه‌گیری پایداری اجتماعی در بازسازی و بازآفرینی مسکن	مسکن / همسایگی

1-2-2- ابعاد پایداری اجتماعی

چهار اصل پایداری اجتماعی طبق بررسی‌های بنیاد یونگ و مؤسسه Social Life به موارد ذیل تقسیم می‌شود: 1- امکانات و زیرساخت اجتماعی 2- زندگی

نوعی برگرفته از کارگروه DSP در سال 2012 است. این مؤلفه‌ها شامل موارد زیر هستند: 1- هویت و شناسایی 2- تعاملات اجتماعی 3- انسجام اجتماعی 4- امنیت 5- بهداشت و آسایش 6- انعطاف‌پذیری 7- قابلیت دسترسی و 8- جذابیت (Janssens and Verbeeck, 2017).

2- روش تحقیق

زمانی از مرور سیستماتیک سخن می‌آید که نیاز به پاسخ یک سؤال پژوهشی بر اساس سنجش و بررسی همه پژوهش‌های پیشین بدون جهت‌گیری خاصی لازم باشد (Strech and Sofaer, 2012). به کارگیری این روش می‌تواند نتایج واقعی‌تری را نسبت به مرور توصیفی داشته باشد چرا که از منظر رتبه علمی، در جایگاه نخست از لحاظ مستندات علمی پژوهشی است. به طور خلاصه، هدف اصلی این روش، وزن‌دهی متون یافت‌شده برای روشن شدن و تصمیم‌گیری صحیح‌تر است (Henderson et al., 2010). به عبارت دیگر یافتن، تحلیل و سپس تلفیق همه یافته‌ها برای پاسخ به پرسشی مشخص از اهداف این روش است (Safari et al., 2013). در ادامه از روش‌های آماری مانند فراتحلیل برای ساماندهی به روند

کلی پژوهش بهره گرفته می‌شود. مراحل انجام مرور سیستماتیک در میان صاحب‌نظران، تقریباً روند مشابهی دارد که در 5 تا 7 مرحله مشخص شده‌است. در دستنامه کوکران و پژوهش رایت و همکاران یک فرآیند 7 مرحله‌ای، از نظر نیکلسون 6 مرحله و از منظر همینگوی و برتون یک روش 5 مرحله‌ای پیش‌بینی شده است (Wright et al., 2007; Nicholson, 2007; Henderson et al., 2010). از برآیند نظرات پژوهشگران این حوزه، مراحل انجام مرور سیستماتیک به شرح زیر است:

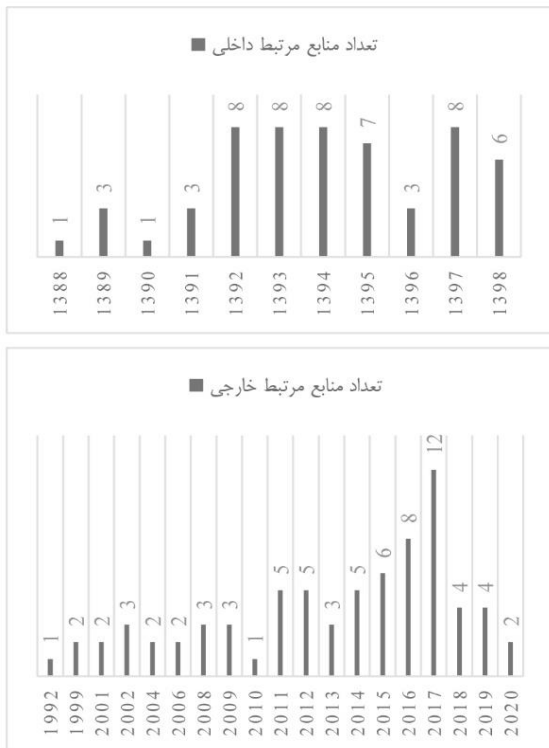
1-2- تعیین سؤال پژوهش: به گونه‌ای که نه خیلی محدود و غیر قابل تعمیم باشد و نه خیلی گسترده و نامحدود که نتوان از نتایج به‌دست آمده، کاربردهایی استخراج کرد. همان‌طور که اشاره شد، این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی بود که کدام مؤلفه‌ها در ارتقای پایداری اجتماعی مسکن مؤثر هستند.

2-2- معیار ورود: بنا به موضوع و پرسش موردنظر، شیوه‌های مختلفی برای ورود به بحث وجود دارد. در این پژوهش نیز به سبب نوع سؤال، جستجوی متون مرتبط مورد توجه قرار گرفت.

جدول 2- منابع موردبررسی با رویکرد پایداری اجتماعی در طی سال‌های مختلف
Tab. 2 - The sources evaluated the social sustainability approach over the years

شماره	نویسنده / نویسندگان	سال	نوع منبع	شماره	نویسنده / نویسندگان	سال	نوع منبع	شماره	نویسنده / نویسندگان	سال	نوع منبع
1	برگر، بختی و جباری	مقاله		44	فرزند و صغری‌زاده	مقاله		1398	مقاله		
2	بهرادر، کرمانی حبیبی و مستقر	مقاله		45	متکینی، برهانی و شمایل‌زاده	مقاله					
3	سرحانی، پورانی و شاهپور	مقاله		46	استرن، قاضی و هادی‌زاده	مقاله					
4	مرادیان، رشتندرو و عبدالقادر	مقاله		47	دانی، دانی‌قدم و طبرک‌زاده	مقاله					
5	بهرادر، موسوی‌نکاح و آبراز‌زاده	مقاله		48	طبرک‌زاده زرگر و استرن	مقاله					
6	برگر و طرایی	مقاله		49	آرشداد، قاضی، طاج و عباسی	مقاله					
7	برازشند، باغی و رفیع	مقاله		50	جمعه‌پور، نجفی و شامی	مقاله					
8	کرمانی حبیبی و مستقر	مقاله		51	پس‌های حبیبی و حبیبی	مقاله					
9	محمدرضا، دوست‌علی‌زاده و شمایل‌زاده	مقاله		52	پورطهری، زلی و زکی‌زاده	مقاله					
10	مومن‌پور، علی‌زاده و ناظر حبیبی	مقاله		53	مصیمی	مقاله					
11	دانش‌پور، کریمی و محمدی	مقاله		54	عرفانی	مقاله					
12	خاکپور، شرف‌زاده، مقدم و شیخی	مقاله		55	سجادی، قاضی‌مقدم، پوردهیسی و شرفانی	مقاله					
13	نظاری، وصال و محمدی حبیبی	مقاله		56	پورطهری، سجانی و صادق	مقاله					
14	کریمی و محمد حبیبی	مقاله		57	Govindan, Shaw, Majumdar	مقاله					
15	زلفی‌زاد و خوشنقد	مقاله		58	Arslan, Gulekin, Kivark, Yildiz	مقاله					
16	شبهه، دانشپور و روستا	مقاله		59	Hosel, Hesse, Pestinger	مقاله					
17	ماهی و عبدالعزیز	مقاله		60	Munry, Ali, Kabir	مقاله					
18	ایمانی، باشت و خوش‌رفتار	مقاله		61	Larimian, Sadeghi	مقاله					
19	حجتی	مقاله		62	Dixon, Bacon, Caistor Arender	مقاله					
20	رفعی و حبیبی	مقاله		63	Pashaei Kamali, Borges, Osseweijer, Posada	مقاله					
21	عمری، علی‌اکبری و حبیبی	مقاله		64	Sierra, Yepes, Pellicer	مقاله					
22	خاکپور، زرگر و استرن	مقاله		65	Olakitan Atanda	مقاله					
23	نوری و میرزان	مقاله		66	Servicos, de Vos	مقاله					
24	پوسندزاده، ملائی و سابعز	مقاله		67	Badr Almhdi, Kusi-Sarpong, Rerazi	مقاله					
25	پوراحمد، کلاسی، فرهودی و آندونی	مقاله		68	Caistor-Arendar, Woodcraft, Nieben, Bacon, Dixon	مقاله					
26	جمعه‌پور و آبراهیمی	مقاله		69	Fitznberg, Jaharun	مقاله					
27	حبیبی، علی‌اکبری و محمدیان	مقاله		70	Hanice Kalifoglu Hatipoğlu	مقاله					
28	رفعی، مستقر، پورطهری و عمری	مقاله		71	Jamson, Verbeeck	مقاله					
29	فرحزاد و کرمانی	مقاله		72	Mehan	مقاله					
30	محمدرضا، غازی و موسوی	مقاله		73	Monlay, Ijang, Said	مقاله					
31	نیکبخت، محمدی و حامی‌کیا	مقاله		74	Shah, Kumar Roy	مقاله					
32	خاکپور، لویی و رضایی	مقاله		75	Shirazi, Keivani	مقاله					
33	ابراهیم و طبرک‌زاده	مقاله		76	Tereci	مقاله					
34	پرسبی، آزادی و مهدی	مقاله		77	Yu, Shen, Shi, Zheng, Wang, Xu	مقاله					
35	حبیبی، حبیبی و احمدی	مقاله		78	Liu, Dijst, Geertman, Cui	مقاله					
36	حبیبی	مقاله		79	Abdel-Rakcen, Ramsbottom	مقاله					
37	خسروی، خاکپور و اسکندری	مقاله		80	Mehan	مقاله					
38	دانشپور، شبهه و روستا	مقاله		81	Missimer, Robert, Broman	مقاله					
39	طبرک‌زاده، آرادوست و براور	مقاله		82	Panda, Chakraborty, Misra	مقاله					
40	گلچینی، خاتمی و فاضل	مقاله		83	Peters	مقاله					
41	نهاییان و پیراه‌گر	مقاله		84	Opp	مقاله					
42	مصیمی‌فر و حمزیزاد	مقاله		85	Tasan, Ciraoglu	مقاله					
43	فاضل، بیات، امیری و نعمتی	مقاله		86	Wei, Wang, Chen, Liu	مقاله					

صورت جداگانه بررسی کرده و دلیل رد شدن برخی از منابع را ذکر کردند. در نهایت نیز کل منابع منتخب، به تفکیک نام نویسنده، نهاد یا نشریه مربوطه و موضوع به وسیله یک متخصص و صاحب‌نظر در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت.



شکل 2 - تعداد منابع مرتبط داخلی و خارجی به تفکیک سال انتشار

Fig. 2 - The number of Persian and foreign sources according to the year of publication

3- نتایج و بحث

در پژوهش‌های با رویکرد اجتماعی، شناخت دیدگاه‌ها و نظرات نیازمند روش‌شناسی علمی و مسیرهای پژوهش‌مند است. پژوهش‌های کیفی و کمی از دو بستر مختلف می‌تواند پیوند دهنده چنین مسیری باشد. روش تحلیل محتوا یکی از روش‌هایی است که در رویکردهای کمی و کیفی مورد استفاده واقع می‌شود.

این روش در ابتدا بیشتر به صورت کمی برای اندازه‌گیری متغیرها استفاده می‌شد، اما در اواسط قرن بیستم، رویکردهای کیفی نیز در روش تحلیل محتوا ورود پیدا کردند (Iman and Noshabadi, 2011). تحلیل محتوا به

3-2- جستجوی متون: این مرحله شامل جستجو و یافتن پژوهش‌های مرتبط با موضوع از پایگاه‌های اطلاعاتی متفاوت است که می‌تواند به سوالات پاسخ دهد. جستجو در ارتباط با این رویکرد در میان مقالات منتشر شده، کتب موجود، پایان‌نامه‌ها و گزارش‌های تحقیق انجام گرفت. در منابع داخلی از پایگاه‌های اطلاعاتی موجود نظیر Magiran، SID و ... با جستجو در میان عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات در محدوده واژگان "توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، پایداری اجتماعی محله، مسکن اجتماعی و مجتمع مسکونی" بهره گرفته شد. در منابع خارجی نیز با استفاده از پایگاه‌های اطلاعاتی معتبر نظیر Elsevier، Science Direct، Oatd، ProQuest، Social-Life و Springer در میان عنوان، چکیده و کلیدواژه‌های مقالات و منابع در محدوده واژگان social، sustainable development، Housing projects، social equity، sustainability، sustainable urban design، residential areas فراوانی با احتمال زیاد وجود همپوشانی در داده‌ها و همچنین احتمال وجود منابع غیرمرتبط یافت شد.

4-2- استخراج داده‌ها: پس از یک روند وقت‌گیر درباره علت‌یابی حذف موارد غیر مرتبط از لیست کلی منابع و همچنین حذف منابع مشترک در چندین پایگاه اطلاعاتی، 129 منبع مرتبط و غیر تکراری با رویکرد موردنظر در حیطه معماری و شهرسازی یافت شد؛ به گونه‌ای که 56 منبع فارسی زبان و 73 منبع انگلیسی زبان در اختیار قرار گرفت. بازه زمانی که در منابع داخلی بررسی شد، سال‌های 1388 تا 1398 بود و در منابع خارجی، سال‌های 1992 تا 2020 مورد کنکاش قرار گرفت. در جدول 2، این 129 منبع داخلی و خارجی به تفکیک سال و نویسنده نشان داده شده است. همچنین فراوانی رویکرد پایداری اجتماعی از سال 1388 تا 1398 در منابع داخلی و از سال 1992 تا 2020 در منابع خارجی به شرح شکل 2 است.

5-2- ارزیابی کیفیت: به منظور بررسی و کنترل کیفیت مرور سیستماتیک، سه نفر مرورگر منابع مستخرج را به



محققان این امکان را می‌دهد که با یک روش منظم، در میان حجم زیادی از داده‌های موجود در پژوهش، جستجو نموده و یافته‌ها را دسته‌بندی کنند (Adel Mehraban, 1972). "کریپندورف" از تحلیل محتوا به عنوان تکنیکی پژوهش‌مدار به منظور ارتباط داده‌ها به محتوای خود، به گونه‌ای دارای اعتبار و قابل تکرار نام می‌برد.

در پژوهش انجام شده، بعد از روند جستجو و استخراج منابع و داده‌ها، به دلیل نظم دادن به اطلاعات خام و مؤلفه‌های موجود، از روش تحلیل محتوا استفاده شد. سپس مطابق با روندی که گفته شد، هر کدام از منابع بررسی شد تا مؤلفه‌های مؤثر در ارتقای پایداری اجتماعی مسکن شناسایی شود و در ادامه هر کدام از مؤلفه‌ها به شکل یک کد در جدولی قرار گرفت. جدولی شامل 45 مؤلفه مؤثر در پایداری اجتماعی مسکن که سطرهایش منابع موردبررسی و ستون‌هایش مؤلفه‌های استخراج شده از خوانش منابع مشخص شده بود، تدوین شد (جدول 3). در ادامه نیز می‌توان از چنین جدولی، پر تکرارترین مؤلفه‌ها را به دست آورد تا حوزه‌های پراهمیت در مورد این رویکرد مشخص شود. به این ترتیب بر اساس نمودار، مؤلفه امنیت اجتماعی با تکرار در 88 منبع از میان 129 منبع موجود به عنوان پراهمیت‌ترین مؤلفه در ارتقای پایداری اجتماعی مسکن برگزیده شد. در رده دوم، مؤلفه مشارکت اجتماعی با تعداد 79 تکرار در میان کل منابع و تعاملات اجتماعی به عنوان مؤلفه سوم پراهمیت با تعداد تکرار 65 در میان منابع انتخاب شدند. در این جا به 5 مؤلفه اول از لحاظ بیشترین فراوانی در منابع اشاره شده است:

- 1) امنیت اجتماعی: 88 از 129
 - 2) مشارکت اجتماعی: 79 از 129
 - 3) سرمایه/ تعاملات اجتماعی: 65 از 129
 - 4) عدالت اجتماعی: 53 از 129
 - 5) دسترسی به خدمات و حمل و نقل عمومی + خدمات سلامت/ تسهیلات بهداشت: 52 از 129
- پس از این مراحل، مؤلفه‌های استخراج شده در قالب چارچوبی اولیه، نظاممند شد. مطابق با روند پژوهش، پس

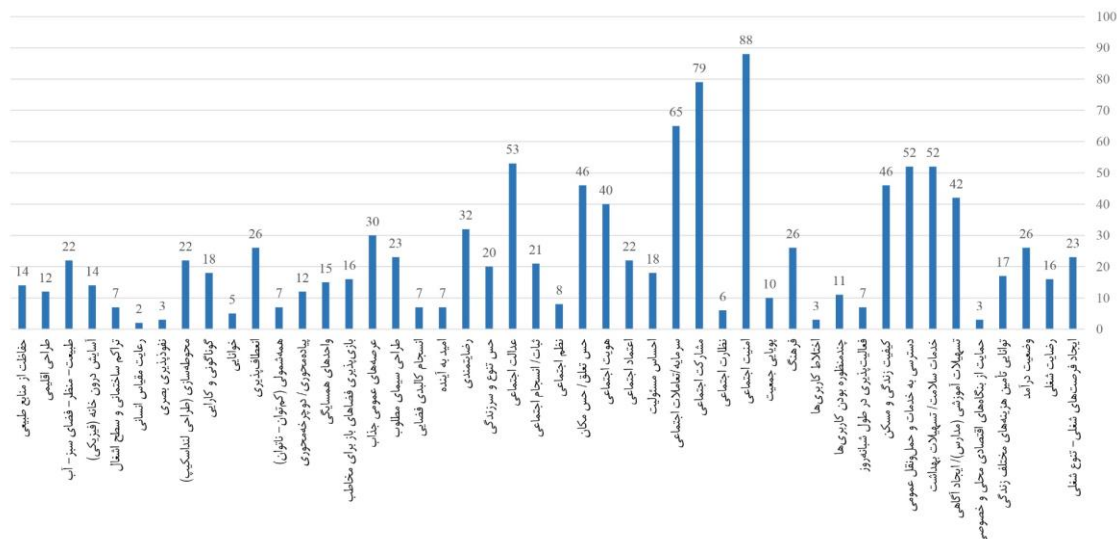
از مطالعه و جستجو در میان چارچوب‌های موجود در منابع مختلف، یکی از جامع‌ترین ساختارها در رویکرد پایداری اجتماعی که در سال 2011 توسط "وودکرفت" در موسسه یونگ منتشر شده و در سال‌های بعد مورد ارجاع بسیاری از مطالعات قرار گرفته بود، بررسی شد. این ساختار همان گونه که نشان داده شده است، دارای 4 دسته کلی و 2 دسته جانبی است. با وجودی که مؤلفه‌های 4 دسته مرکزی اهمیت بیشتری در ارتقای پایداری از لحاظ اجتماعی دارد، اما نمی‌توان 2 دسته جانبی در ساختار گرافیکی را نادیده گرفت. این دو دسته به نوعی یادآور بعد اقتصادی و بعد زیست‌محیطی در یک نگاه کلی در راستای توسعه پایدار است. چنین به نظر می‌رسد که نمی‌توان بدون این دو بعد در ارتقای بعد سوم توسعه پایدار که همان پایداری اجتماعی است، به موفقیتی ویژه دست یافت. بنابراین دو دسته اقتصادی و زیست‌محیطی از این دیدگاه به عنوان بستر برای به ثمر نشستن بعد اجتماعی در این ساختار قرار می‌گیرد. 4 دسته موجود در مرکز این ساختار یعنی "امکانات و زیرساخت اجتماعی"، "زندگی اجتماعی و فرهنگی"، "مشارکت مردم و تأثیرات آن" و "فضایی برای رشد"، به سبب نوع نگاه طراحان ساختار که بیشتر جهت‌گیری جامعه‌شناسی داشته‌اند، اندکی با مؤلفه‌های استخراج‌شده این پژوهش با دید معماری و شهرسازی همگون نبود.

به ویژه بسیاری از مؤلفه‌های برگرفته از منابع، رنگ و بوی کالبدی و فیزیکی دارند اما در این ساختار یا گفته نشده و یا دست کم با اهمیتی خیلی اندک مورد اشاره قرار گرفته‌اند. به این سبب نیاز به ویرایش یا برداشتی معمارانه از این ساختار احساس می‌شد؛ به گونه‌ای که دو بستر جانبی ساختار یعنی دسته‌های اقتصادی و زیست-محیطی به سبب نگاه کلی در توسعه پایدار، به همان شکل حفظ شود اما در دسته‌های مرکزی با حفظ دسته "امکانات و زیرساخت اجتماعی" و دسته "زندگی اجتماعی و فرهنگی" تغییراتی رخ دهد.

جدول 3- کدگذاری مؤلفه‌های موثر پایداری اجتماعی مسکن در پژوهش‌های انجام شده

Tab.3- Coding the effective components of social sustainability in housing

[illegible]



شکل 3 - میزان تکرار مؤلفه‌های استخراج شده در بین منابع با رویکرد پایداری اجتماعی مسکن

Fig. 3 - Number of replicated components extracted from studies on social sustainability in housing



شکل 4- نمایش گرافیکی ساختار پایداری اجتماعی موسسه

یونگ (Woodcraft, 2011)

Fig. 4- Illustration of Design for Social Sustainability Framework (Woodcraft, 2011)



شکل 5 - نمایش گرافیکی ساختار پیشنهادی پنج بخشی بر

پایه مرور ادبیات موضوع

Fig. 5- Illustration of Proposed Five Parts Structure for Social Sustainability based on literature review

به این شکل ضرورت داشت دسته‌ای جدید به نام "مطلوبیت کالبدی" اضافه شود و دسته‌های "مشارکت مردم و تأثیرات آن" و "فضایی برای رشد"، در صورت داشتن مؤلفه‌ای مشترک با مؤلفه‌های استخراج شده در منابع به یکی از دو دسته نام برده شده منتقل شوند (هر کدام که اشتراک بیشتری با موضوع داشته باشد) و یا در صورت داشتن جنبه‌ای کالبدی، به دسته جدید مطلوبیت کالبدی در این ساختار انتقال یابند. البته هر یک از مؤلفه‌های موجود در دسته‌های امکانات و زیرساخت اجتماعی و دسته زندگی اجتماعی و فرهنگی نیز در صورت داشتن چنین ویژگی‌هایی قابلیت انتقال به دسته مطلوبیت کالبدی را نیز دارند. از این رو، از ساختار اولیه برداشتی پیشنهادی در قالب معماری و شهرسازی انجام شد و بنا بر ساختارهای مطالعه شده و ادبیات موضوع در حوزه، مؤلفه‌های استخراج شده در این پنج دسته کلی قرار داده شد تا صورت اولیه این ساختار تهیه شود. در ادامه روند، چنین ساختاری قابلیت پیگیری و ارائه به پانلی از متخصصان در حوزه معماری و شهرسازی را دارد.

نکته‌ای دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد، کم‌تکرار بودن مؤلفه‌های کالبدی در میان عوامل مهم برای ارتقای پایداری اجتماعی مسکن است. به نظر می‌رسد در میان پژوهش‌ها، هنوز حلقه مفقوده‌ای میان نظرات درباره پایداری اجتماعی مسکن و مصادیق کالبدی و فیزیکی آن به عنوان راهکارهای عملی وجود دارد که باید در پژوهش‌های آتی تلاش شود این فاصله از میان برداشته شده و به پاسخ‌ها و راهکارهای شفاف و ملموس‌تری دست یافت.

جدول 4- ساختار مقدماتی از تجمیع منابع مرتبط برای سنجش

مؤلفه‌های پایداری اجتماعی مسکن

Tab. 4- A primary structure of the aggregation of relevant resources for measuring the components of social sustainability in housing

نام دسته	مؤلفه‌های مؤثر
1. اقتصادی	بهرمندی اقتصادی . وضعیت کار و اشتغال
2. کاربری و زیرساخت اجتماعی	تسهیلات آموزشی (مدارس) ایجاد آگاهی . فعالیت‌پذیری در طول شبانه‌روز . خدمات سلامت/تسهیلات بهداشت . جندمنظوره بودن کاربری‌ها . دسترسی به خدمات و حمل و نقل عمومی . اختلاط کاربری‌ها . کیفیت زندگی و مسکن
3. زندگی اجتماعی و فرهنگی	فرهنگ . هویت اجتماعی . بومیایی جمعیت . حس مکان- حس تعلق . امنیت اجتماعی . نظم اجتماعی . نظارت اجتماعی . ثبات/انجام اجتماعی . مشارکت اجتماعی . عدالت اجتماعی . سرمایه/تعاملات اجتماعی . حس تنوع و سرزندگی . احساس مسئولیت . رضایتمندی . اعتماد اجتماعی . امید به آینده
4. مطلوبیت کالبدی	انسجام کالبدی فضایی . انعطاف‌پذیری . طراحی سیمای مطلوب . خواتایی . عرضه‌های عمومی جذاب . گوناگونی و کارایی . بازی‌پذیری فضاهای باز برای مخاطب . نفوذپذیری بصری . محوطه‌سازی (طراحی لنداسکیپ) . رعایت مقیاس انسانی . واحدهای همسایگی . شیوه استقرار بنا . پیاده/دوچرخه محوری . تراکم ساختمانی و سطح اشغال . همه‌شمولی (کم‌توان- ناتوان) . آسایش درون خانه (فیزیکی)
5. زیست‌محیطی	حفظ ویژگی‌های بومی محلی . حفاظت از منابع طبیعی . طبیعت/منظر/فضای سبز/آب . طراحی اقلیمی

منابع

Abdel-Raheem, M., Ramsbottom, C. (2016). Factors affecting social sustainability in highway projects in Missouri. *Procedia Engineering*, 145, 548-555.

4- نتیجه‌گیری

این پژوهش در مرحله ابتدایی درباره یافتن مؤلفه‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی مسکن انجام گرفت که با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای به 45 مؤلفه مستند رسید و به عنوان پیشنهاد در 5 دسته کلی ساختارمند شد. نکته دیگری که از این پژوهش برداشت می‌شود، رده-بندی مهمترین مؤلفه‌های مؤثر بر پایداری اجتماعی مسکن بر اساس مطالعه منابع موجود است. به این ترتیب مؤلفه امنیت اجتماعی مهمترین عامل در ارتقای پایداری اجتماعی مسکن به شمار رفته است. وقتی لایه‌های متفاوت امنیت نظیر امنیت روانی، امنیت کالبدی، امنیت اجتماعی و غیره از عملکرد خوبی برخوردار باشد به اجتماعی پایدار می‌توان رسید. مؤلفه مشارکت اجتماعی دومین عاملی است که در ادبیات موضوع مورد تأکید فراوان قرار گرفته است. هنگامی که یک جامعه و محله مسکونی امنیت اجتماعی دارد، راه برای اختلاط لایه‌های متفاوت جمعیتی و در واقع مشارکت آن‌ها با هم فراهم می‌شود. تعاملات اجتماعی که به عنوان عامل سوم مطرح شده است همواره به عنوان مراتبی از سلامت اجتماع و تضمین‌کننده پایداری و پویایی آن در میان پژوهش‌ها مطرح شده است.

مؤلفه چهارم بر اهمیت در میان منابع، عدالت اجتماعی است. مسأله عدالت در جامعه در مراتب مختلف و این که چه نقش ویژه‌ای در همگون نمودن لایه‌های طبقاتی و کاهش فاصله بین آن‌ها دارد، بر کسی پوشیده نیست. تمامی این مؤلفه‌ها در ساختار پیشنهادی در دسته زندگی اجتماعی و فرهنگی جای گرفته‌اند. پنجمین مؤلفه مهم از دسته پیشنهادی کاربری و زیرساخت اجتماعی است. دسترسی به خدمات و حمل و نقل عمومی و خدمات سلامت/تسهیلات بهداشت به صورت مشترک، عامل پنجم شناخته شدند. تأمین بودن محله مسکونی از لحاظ خدمات درونی و معیشتی، خدمات برطرف‌کننده نیاز پیاده و عدم اجبار به استفاده از وسیله نقلیه شخصی، همچنین وجود مراکز درمانی و بهداشتی در کنار بالا بردن سطح اطلاعات مخاطبان از سلامت بهداشت، همگی مواردی است که متضمن جامعه‌ای پایدار و سالم خواهد بود.



qualitative content analysis and its application in research. Isfahan University of Medical Sciences and Health Services. [in Persian]

Bahraini, S. A., Izadi, M. S., and Mofidi, M. (2014). The approaches and policies of urban renewal from "urban reconstruction" to "sustainable urban regeneration. J Urban Stud, 3(9), 17-30. [in Persian]

Barron, L., Gauntlett, E. (2002). Stage 1 report-model of social sustainability. Housing and Sustainable Communities' Indicators Project. Perth, Murdoch University, Western Australia.

Biart, M. (2002). Social sustainability as part of the social agenda of the European community. Soziale Nachhaltigkeit: Von der Umweltpolitik zur Nachhaltigkeit, 149, 5-10.

Bramley, G., Dempsey, N., Power, S., Brown, C. (2006, April). What is 'social sustainability', and how do our existing urban forms perform in nurturing it. In Sustainable Communities and Green Futures' Conference, Bartlett School of Planning, University College London, London.

Chan, E., Lee, G. K. (2008). Critical factors for improving social sustainability of urban renewal projects. Social Indicators Research, 85(2), 243-256.

Colantonio, A. (2007). Social sustainability: An exploratory analysis of its definition, assessment methods metrics and tools.

Colantonio, A. (2008). Traditional and emerging prospects in social sustainability. Measuring social sustainability: best practice from urban renewal in the EU. Oxford Institute for Sustainable Development (OISD). Headington: Oxford Brookes University.

Colantonio, A., Dixon, T., Ganser, R., Carpenter, J., Ngombe, A. (2009). Measuring Socially Sustainable Urban Regeneration in Europe.

Daneshpour, A.H., Shieh, E., Roosta, M., (2014). Compilation the Structural Model of Social Sustainability Place Factors by Factor Analysis and Path Analysis, Urban Management, 35, 133-142. [in Persian]

Dixon, T., Bacon, N., Caistor Arendar, L., Nielsen, E., Callway, R., and Naylor, A. (2019). Measuring the initial social sustainability impacts of estate regeneration: a case study of Acton

Adel Mehraban, M. (2015). A review of Gardens, London. Journal of Sustainability Research, 1(1).

Ghaffarian Hoseini, A., Dahlan, N. D., Berardi, U., GhaffarianHoseini, A., Makaremi, N. (2013). The essence of future smart houses: From embedding ICT to adapting to sustainability principles. Renewable and Sustainable Energy Reviews, 24, 593-607.

Henderson, L. K., Craig, J. C., Willis, N. S., Tovey, D., Webster, A. C. (2010). How to write a Cochrane systematic review. Nephrology, 15(6), 617-624.

Hosseini, S.H., Aliabadi, K., Hamidiyan, A.R., (2015). An Analysis on Evaluating the Quality of Social Sustainability in Districts No.2 and 3 of Sabzevar City, Journal Management System, 5(14), 47-70. [in Persian]

Iman, M.T., Noshadi, M.R. (2011). Qualitative Content Analysis, Pazhuhesh, 3(2), 15-44. [in Persian]

Janssens, B., Verbeeck, G. (2017). Towards a Framework for Architectural Design Enhancing Social Sustainability in Dense Housing Projects, Conference: European Network for Housing Research (ENHR), At Tirana, Albania.

Krippendorff, K. (2018). Content analysis: An introduction to its methodology. Sage publications.

Lang, J. (1987). Creating architectural theory: The role of behavioral sciences in environmental design, Van Nostrand Reinhold.

Larimian, T., and Sadeghi, A. (2019). Measuring urban social sustainability: Scale development and validation. Environment and Planning B: Urban Analytics and City Science.

Littig, B., Grießler, E. (2004). Soziale Nachhaltigkeit. Informationen zur Umweltpolitik Nr. 160. Wien: Bundesarbeiterkammer.

Macintosh, A., Wilkinson, D. (2006). Which direction? A review of monitoring and reporting in Australia.

Mafi, E., Abdoulhazadeh, M. (2017). Assessment of Social sustainability in Mashhad Metropolis, Urban Ecology Research, 8(15), 65-78. [in Persian]



Marsal-Llacuna, M. L. (2016). City indicators on social sustainability as standardization technologies for smarter (citizen-centered) governance of cities. *Social Indicators Research*, 128(3), 1193-1216.

McKenzie, S. (2004). Social Sustainability: Towards some definitions. Hawke Research Institute: Working Paper Series. Magill, Hawke Research Institute.

Michael, Y. M. A. K., Peacock, C. J. (2011). Social sustainability: A comparison of case studies in UK, USA and Australia. In 17th Pacific Rim Real Estate Society Conference, Gold Coast.

Nastaran, M., Ghasemi, V., Hadizadeh, S. (2013). Assessment of Indices of Social Sustainability by Using Analytic Network Process (ANP), *Journal of Applied Sociology*, 4(3), 155-173. [in Persian]

Navabakhsh, M., Eghbali, R. (2007). Stable Urban Development: A review on concepts, Trends and Events, *Territory*, 4(13), 3-9. [in Persian]

Nicholson, P. J. (2007). How to undertake a systematic review in an occupational setting? *Occupational and Environmental Medicine*, 64(5), 353-358.

Opp, S. M. (2017). The forgotten pillar: a definition for the measurement of social sustainability in American cities. *Local Environment*, 22(3), 286-305.

Polèse, M., Stren, R. E., Stren, R. (Eds.). (2000). The social sustainability of cities: Diversity and the management of change. University of Toronto Press.

PourAhmad, A., Kalantari, M., Farhoudi, R., Ashnouee, A., (2016). Measurement of social sustainability in the context of historical urban residential district: A case study of Kashan, *Journal Management System*, 3(1), 71-100. [in Persian]

PourTaheri, M., Zaal, A., RoknAbadi Eftekhari, A.R., (2011). An Evaluation and Prioritization of Social Sustainability in Rural Areas: A Case Study of Villages in Khorrambid County of Fars Province, *Village and Development*, 14(3), 19-49. [in Persian]

Rahnama, M.R., Hosseini, S.M. (2016), Estimation and Evaluation of Social Sustainability in the Metropolitan City of

Mashhad, With an Emphasis on Five Neighborhoods as Case Studies, *Geographical Planning of Space Quarterly*, 6(19), 105-118. [in Persian]

Razzaghi Asl, S., Khoshghadam, F. (2017). Evaluation of the Factors Affecting Social Sustainability Improvements and Their Impact on the Renovation of Deteriorated Areas from Resident's Viewpoint (Case Study: Shiva Neighborhood in Tehran), *Motaleate Shahri*, 6(22), 59-74. [in Persian]

Sachs, I. (1999). Social sustainability and whole development: exploring the dimensions of sustainable development. Sustainability and the social sciences: a cross-disciplinary approach to integrating environmental considerations into theoretical reorientation, 25-36.

Safari, M., Sanaeinasab, H., Pakpour, A.H. (2013). How to Do a Systematic Review Regard to Health: A Narrative Review, *Health Education and Health Promotion*, 1(1), 51-61. [in Persian]

Sajjadi GhaemMaghami, P., Pourdeihimi, S., Zarghami, E. (2009). The principles of social sustainability in residential complexes from the perspective of the community of experts and experts in Iran, *Soffeh*, 20(3-4), 75-87. [in Persian]

Severson, M., and de Vos, E. (2018). A Measurement Framework: Social Sustainability in Social and Affordable Housing. *Partnerships for Affordable Rental Housing*, University of Calgary.

Shafia, M.A., Shafia, S. (2012). A Study of the Relationship between Sustainable Social Development and Social Capital (Case Study: Residents of Shemiran Nou), *Applied Sociology*, 23(2), 139-164. [in Persian]

Sharifi, A., Murayama, A. (2013). Changes in the traditional urban form and the social sustainability of contemporary cities: A case study of Iranian cities. *Habitat International*, 38, 126-134.

Shieh, E., Daneshpour, A.H., Roosta, M., (2017). Designing a Model of Social Sustainability Place Indicators Using Delphi Method and Shannon Technique, *Armanshahr Architecture and Urban Development*, 10(19), 119-129. [in Persian]

Shirazi, M. R., Keivani, R. (2017). Critical reflections on the theory and practice of social sustainability in the built environment—a meta-analysis. *Local Environment*, 22(12), 1526-1545.

Strech, D., Sofaer, N. (2012). How to write a systematic review of reasons. *Journal of Medical Ethics*, 38(2), 121-126.

WCED (1987). *Our Common Future*, World Commission on Environment and Development, Oxford University Press, Oxford.

Woodcraft, S. (2012). Social sustainability and new communities: Moving from concept to practice in the UK. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 68, 29-42.

Wright, R. W., Brand, R. A., Dunn, W., Spindler, K. P. (2007). How to write a systematic review. *Clinical Orthopaedics and Related Research* (1976-2007), 455, 23-29.

Yu, T., Shen, G. Q., Shi, Q., Zheng, H. W., Wang, G., and Xu, K. (2017). Evaluating social sustainability of urban housing demolition in Shanghai, China. *Journal of Cleaner Production*, 153, 26-40.

